

بررسی فقهی تعدد افراد در نیابت حج

سید تقی واردی*

چکیده

تعدد نیابت در حج، دو صورت دارد: تعدد منوب‌عنه و تعدد نایب. اگر نایب فرد واحد و منوب‌عنه بیش از یک نفر باشند، از جهت تکلیفی صورت‌های مختلفی دارد. در حج مندوب و عمره مفرده به خاطر دلیل خاص، نیابت از چند منوب‌عنه جایز است. در حج مندوب، تفصیل است بین جایی که چند نفر به صورت مستقل نذر کرده باشند، حج باطل است و جایی که به صورت جمعی نذر کرده باشند، انجامش جایز است. در حجة الاسلام و حج افسادی جایز نیست.

از جهت وضعی، قرارداد دوم و بالاتر باطل است و باید اجرت را برگرداند. اما اگر منوب‌عنه واحد و نایب متعدد باشد؛ در جایی که اعمال منوب‌عنه مختلف باشد، انجام نیابت برای همه آنان جایز است؛ اما اگر عمل منوب‌عنه یکی باشد، بین حج مندوب و حج واجب تفاوت است. نیابت همه در حج مندوب صحیح است. در حج واجب، دو قول است: یکی صحت نیابت و دیگری صحت عمل، مشروط بر آنکه همزمان به پایان برسد.

کلیدواژه‌ها: نیابت، حج، عمره، تعدد نایب، تعدد منوب‌عنه، اقسام حج.

*. مدیر گروه پژوهشی سازماندهی اطلاعات و مدارک، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی waredi@gmail.com

یکی از بحث‌های کاربردی در نیابت حج، بحث تعدد نیابت است؛ به این معنا آیا حج - اعم از واجب و مندوب - ظرفیت تعدد و تکثر در مورد واحد را دارد یا نه؟ تعدد نیابت در دو صورت امکان تحقق می‌یابد؛ یکی تعدد منوب‌عنه، یعنی نایب شخص واحد باشد، ولی منوب‌عنه بیش از یک نفر باشد. دیگری به عکس، یعنی منوب‌عنه واحد است، ولی نایب بیش از یک نفر. هر کدام از آن دو، از دو جهت؛ باید مورد بررسی قرار گیرند؛ یکی از جهت حکم تکلیفی و دیگری از جهت حکم وضعی. با توجه به اینکه حج به دو دسته اصلی «واجب» و «مستحب» تقسیم می‌شود و واجب، شامل گونه‌های مختلفی است؛ چون حجة الاسلام، حج نذری و حج افسادی و هر کدام از آنها می‌تواند به یکی از دو نحوه اجاره‌ای و تبرعی انجام گیرد. این مسئله می‌تواند فروع فقهی متعددی داشته باشد که در هر یک از آنها، پژوهش مبسوطی به عمل آید.

جایگاه این بحث، در فقه الحج است که مورد نیاز تخصصی فقها متخصصان دانش فقه و حج پژوهان و در مراتب پایین‌تر، دست‌اندرکاران حج و عمره و عوامل این فریضه الهی می‌باشد.

این بحث از آن جهت اهمیت دارد که از جهت تئوری مبانی فقه‌های عظام در بحث تعدد منوب‌عنه و یا تعدد نایب شناسایی و مورد بررسی قرار می‌گیرد و از جهت عملی، هم در بُعد تکلیفی و هم در بُعد وضعی، وظایف نایب و منوب‌عنه و اعمال انجام گرفته روشن می‌گردد.

با توجه به اینکه پژوهش مبسوطی در قالب مقاله و کتاب، در این مسئله انجام نگرفته است جای آن در مقالات تخصصی فقه حج خالی است و انجام آن برای پُر کردن جای خالی آن در بین مباحث حج، ضروری است.

این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و استدلالی است، مباحث مربوط به تعدد نیابت را در دو بخش (تعدد منوب‌عنه و تعدد نایب) مورد بررسی قرار می‌دهد:

* تعدد منوب‌عنه

یکی از بحث‌های مورد ابتلا در نیابت حج این است که یک عامل در موسم واحد آیا می‌تواند برای بیش از یک نفر نیابت کند؛ مثلاً یک حج انجام دهد و آن را برای چند منوب‌عنه محاسبه کند؟ البته این پرسش از دو جهت باید مورد توجه قرار

گیرد؛ یکی از جهت جواز و عدم جواز اصل عمل و دیگری استحقاق اجرت توسط نایب، که ذیل چند فرع بیان می‌گردد:

۱. تنقیح مسئله

پیش از پرداختن به نظر فقهای عظام لازم است موضوع این مسئله را از این جهت تنقیح کنیم که آیا مراد از حج در این مسئله، تمام انواع و اقسام حج است یا برخی از آنها؟ آن گونه که از کلام فقهای عظام برمی‌آید مراد از حج، حج واجب است؛ اما حج مندوب و عمره مفرده از بحث ما خارج است؛ زیرا همه فقهای شیعه در نیابت از افراد متعدد در یک عمل - چه در حج مندوب و چه در عمره مفرده - به خاطر وجود دلیل خاص، حکم به جواز نموده و در این حکم اتفاق نظر دارند. به همین جهت در کتاب شریف *وسائل الشیعه*، بابی به نام «باب جواز التشریک بین ائنین، بل جماعة کثیرة فی الحجة المندوبة» آمده است و تعدادی روایات در آن نقل شده است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰۲)

همچنین در حج واجب، مراد از آن، «حجة الاسلام» و «حج افسادی» (اعم از حج تمتع، حج قران و حج افراد) است؛ اما در حج مندوب نیز اختلافی بین فقهای عظام نیست و همگی در حج مندوب تفصیل قائل شده‌اند. به این معنا که اگر حج مندوب افراد به طور مستقل باشد، برای مثال دو نفر مستقلاً نذر کنند که حج انجام دهند، بی‌تردید یک نایب نمی‌تواند در موسم واحد از هر دوی آنها نیابت نماید؛ زیرا نیابت از چند نفر خلاف اصل است و دلیلی برای جواز آن نیست مگر برای حج و یا عمره مندوب. اما اگر نذر افراد به صورت جمعی باشد، مثلاً به صورت مشترک نظر کنند که اگر تهاجم دشمن به آنان آسیبی وارد نکند، آنان هزینه یک حج را بر عهده گیرند؛ به این صورت که یکی از آنان و یا فرد دیگری به نیابت از آنان، حج بجا آورد؛ گرچه فرض آن نادر است، ولی ممکن الوقوع است و به نظر فقهای عظام در چنین موردی یک نایب می‌تواند نیابت همه آنها را بر عهده گرفته و نذر مشترک آنان را به انجام رساند؛ (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ خویی، ۱۴۱۸ق،

ج ۲۸، ص ۱۴۲) زیرا هنگامی که وجوب حج بر آنان به طور مشترک باشد نه مستقل، مانعی برای نیابت فرد واحد از آنان نیست. زیرا یک نایب می تواند به متعلق نذر عمل نماید. شبیه همین قول از امام خمینی علیه السلام نیز نقل شده است. (امام خمینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۳۹۶)

۲. اقوال فقها

اقوال فقها در تعدد منوب^{عنه} در حجة الاسلام و حج إفسادی را باید در دو فرع مورد بررسی قرار داد:

۲-۱. از جهت تکلیفی

به این معنا آیا یک نایب می تواند نیابت چند منوب^{عنه} را در سال واحد بر عهده گیرد؟ فقهای عظام بر اینکه اگر نیابت از حج مشروط به سال معین و مباشرت نایب باشد، جایز نیست و اگر انجام دهد، باطل است اجماع دارند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۲۱ق، ۱۴، ۲۷۵؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ امام خمینی، ۱۳۶۶ ش، ج ۱، ص ۳۹۶) صاحب جواهر در این خصوص می نویسد:

مخالفی برای قول به عدم صحت نیافتن، بلکه هر دو قسم اجماع (منقول و محصل) برای بطلان عمل وجود دارد. در نتیجه اگر از نایب چنین عملی واقع شود، عمل وی کلاً باطل است؛ یعنی چون قابلیت توزیع بین دو منوب^{عنه} و بیشتر را ندارد، برای هیچ یک از منوب^{عنه}م واقع نمی شود. حتی برای یکی از آنان نیز صحیح نیست؛ چون دلیلی بر ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد. همچنین برای خود نایب نیز محسوب نمی شود؛ چون آن را قصد نکرده بود. (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳)

البته مراد صاحب جواهر آن است که نایب، اعمال حج را برای بیش از یک نفر انجام دهد؛ اما اگر اعمال حج را تنها برای منوب^{عنه} اول انجام دهد صحیح است و موجب براءت ذمه منوب^{عنه} می گردد. به همین جهت، شهید اول در دروس آورده است:

اگر کسی نایب را برای حج سال معین اجاره کند، ولی بعدها کسان دیگر نیز وی را اجاره کنند، نیابت نایب برای منوب^{عنه} اول صحیح است؛ اما اگر دو اجاره همزمان واقع شوند

و همزمان انجام گیرند، هر دو باطل می‌باشد. (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱)
به هر روی، این مسئله مورد اجماع فقهای عظام است که اگر نایب، اعمال حج بیش از
یک منوب‌عنه را در سال معین انجام دهد، عمل او باطل است.

* دلیل فقها در حکم تکلیفی

دلیل اصلی این قول، آن است که یک حج واجب، قابلیت توزیع بین دو نفر
و یا بیشتر را ندارد. به همین جهت ممتنع است که یک حج واجب برای دو نفر و یا
بیشتر انجام گیرد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷،
ص ۳۹۳) همان‌گونه که در قضای نماز واجب و روزه واجب میت این چنین است که
اجیر، یک نماز واجب را تنها می‌تواند برای یک متوفاه بیشتر انجام دهد. بنا براین،
در حَجَّةِ الاسلام و حج افسادی، نایب نمی‌تواند نیابت بیش از یک نفر را بر عهده
گیرد؛ زیرا ذمه وی نسبت به منوب‌عنه اول مشغول شده است و جایی برای منوب‌
عنه دوم و سوم باقی نمی‌ماند. مگر اینکه منوب‌عنه اول از استنابه خودش در آن سال
صرف نظر کند.

۲-۲. از جهت وضعی

از جهت وضعی، یعنی درباره استحقاق یا عدم استحقاق اجاره، همه فقهای
عظام متفقند که اگر کسی قرارداد اجاره نیابت با بیش از یک منوب‌عنه منعقد
کند، در صورتی که در آنها سال معین و مباشرت نایب شرط شده باشد، قرارداد
دوم و بالاتر باطل است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷،
ص ۵۱) یعنی تنها استحقاق اجرت حج منوب‌عنه اول را دارد و از منوب‌عنه دوم
و بالاتر چنین استحقاقی ندارد و اگر وجهی گرفته باشد نسبت به آنها ضامن است.
اما اگر عقد نیابت برای بیش از یک منوب‌عنه را همزمان انجام دهد، مثلاً در عقد
واحد، نیابت حج زوج و حج زوجه در سال معین را متعهد شده باشد، مستحق
هیچ‌یک از آن دو نیست.

* دلیل فقها در حکم وضعی

دلیل این گفتار نیز آن است که اجیر بعد از اشتغال به انجام کار منوبٌ عنه اول، قدرت بر انجام کار منوبٌ عنه دیگری را ندارد و در نتیجه نمی‌تواند طبق قرارداد دوم عمل کند؛ بدین جهت عقد بعدی وی باطل است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ یزدی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۲۹)

اما آیت‌الله خوئی، عدم الدلیل را دلیل این گفتار دانسته است. (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۷، ص ۵۱)

البته این بحث مربوط به جایی است که بین دو عقد اجاره تقدم و تأخری در بین باشد. اما اگر دو عقد اجاره همزمان انجام گیرد و هیچ‌کدام بر دیگری تقدم و تأخر نداشته باشد، در این صورت هر دو عقد باطل خواهند بود؛ زیرا انجام آن دو عمل از قدرت یک نایب خارج است و ترجیح یکی بر دیگری نیز بلا دلیل است. در مقابل، اگر دو عقد همزمان منعقد گردد، ولی مشروط به عدم مباشرت نایب باشد و یا از جهت زمان انجام مطلق بوده و مشروط به سال واحدی نباشند، مثلاً یکی در سال جاری انجام گیرد و دیگری در سال آینده، چنین صورتی امکان‌پذیر و بلا اشکال بوده و هر دو عقد صحیح است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۴، ص ۲۷۵؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۷، ص ۵۱)

* نظر مختار

حکم مسئله همان است که فقهای عظام به اجماع بیان کرده‌اند. ولیکن دلیلی که برای این گفتار ارائه شده مبنی بر اینکه یک حج، ظرفیت بیش از یک نفر را ندارد و لذا یک نفر نمی‌تواند حج بیش از یک نفر را انجام دهد، از نظر عقلی دلیل قابل قبولی نیست؛ زیرا وقتی در حج مندوب و عمره مفرده، یک نفر می‌تواند نیابت بیش از چند منوبٌ عنه را در عمل واحد بر عهده گرفته و به انجام رساند، باید در حج واجب هم امکان‌پذیر باشد.

بدین جهت، باید از نص دلیلی داشته باشیم. اصولاً نیابت از چند نفر در عمل واحد، از جمله در حج و عمره (اعم از واجب و مستحب) خلاف اصل است و دلیلی برای آن نیست، مگر در حج مندوب و عمره مفرده. اما برای حج واجب، چنین دلیلی نه از عقل و نه از نص وجود ندارد. بنابراین دلیلی که آیت‌الله خوئی بیان نموده است مقبول‌تر به نظر می‌آید که عبارت است از اینکه عدم‌الدلیل، دلیل عدم جواز است.

* تعدد نایب

این مبحث متکفل این بحث است، برای یک منوب‌عنه، آیا جایز است در موسم واحد و یا در وقت واحد (غیر موسم) بیش از یک نفر نیابت وی را در حج و عمره انجام دهند؛ مثلاً دو نفر و یا بیشتر همزمان نیابت منوب‌عنه واحد را بر عهده گرفته و اعمال حج را به نیابت از او به‌جا آورند؟ این مسئله به دو صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. انجام چند عمل منوب‌عنه

فرض این مسئله جایی است که چند نایب بخواهند چند عمل واجب و مستحب منوب‌عنه را انجام دهند؛ مثلاً یکی حج واجب و دیگری حج مستحب و یا یکی عمره مفرده و دیگری عمره تمتع و یا اینکه چند حج واجب متفاوت وی را انجام دهند؛ مثلاً آیا جایز است نایبان متعدد یکی حَجَّةَ الاسلام و دیگری حج مندور و یا هر دو حج مندوب را انجام دهند؟

* اقوال فقها

در این مسئله، علی‌الظاهر اختلافی بین فقهای عظام شیعه نیست و همگی متفق‌اند که نیابت چند نفر در یک موسم و یا در وقت واحد برای یک منوب‌عنه جایز و صحیح است. (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۰۹؛ علامه حلّی، بی تا، ج ۷، ص ۱۱۷؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۴؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۴۰؛ خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱) مخالفی برای این قول پیدا نشده است.

* دلیل فقها

دلیل این قول، اطلاقات روایات است؛ از جمله صحیحہ محمد بن عیسی:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقُطِينِيِّ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحُسَيْنِ الرَّضَا عليه السلام رِزْمَ ثِيَابٍ وَغِلْمَانًا وَحَجَّةً لِي وَحَجَّةً لِأَخِي مُوسَى بْنِ عُبَيْدٍ وَحَجَّةً لِيُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَأَمَرَنَا أَنْ نَحُجَّ عَنْهُ، فَكَانَتْ بَيْنَنَا مِائَةٌ دِينَارٍ أَثَلَاثًا فَبَيْنَا... الْحَدِيثُ» (شيخ حر عاملی،

۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱، باب ۲۴ از ابواب النيابة فی الحج)

* بررسی سندی

این روایت از جهت سند، صحیح و کسی بر آن اشکالی وارد نکرده است؛ چون تمام راویان آن امامی و موثق هستند.

* بررسی دلالی

از جهت دلالت، جمله «وَأَمَرْنَا أَنْ نَحُجَّ عَنْهُ» دلالت دارد که هر سه حج برای حضرت بوده و به قرینه اینکه امام عليه السلام حج واجب خود را انجام داده یا بعداً انجام می دهد، همه آنها حج مندوب بوده است. هم چنین پیداست که حج مندوب هم نبوده و گرنه حضرت آن را تعیین می فرمود. بنابراین، انجام چند حج مندوب و یا عمره مفرده برای یک منوب عنه توسط چند نایب (حتی همزمان) صحیح است.

۲. انجام یک عمل واجب

اما در جایی که هر دو نایب و یا بیشتر بخواهند یک حج واجب منوب عنه (مثلاً حَجَّةَ الاسلام یا حج افسادی) را انجام دهند، در این مسئله اتفاقی بین فقها نیست و از آنان دو قول نقل شده است:

۱. قول اول

عمل هر یک از نایب ها صحیح است، اعم از اینکه احرام آنها همزمان باشد و یا تقدم و تأخر داشته باشد. همچنین اگر ختم عمل آنان همزمان باشد و یا تقدم و تأخری

داشته باشد، در هر صورت نیابت چند نایب برای یک منوب^{عنه} اشکالی ندارد. تعدادی از فقهای عظام، مانند صاحب عروه (یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۷)، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷۱) و آیت الله جعفر سبحانی (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰) از قائلین این گفتارند. البته آیت الله جعفر سبحانی معتقد است هنگامی که عمل اولی تمام شود، قصد وجوب برای دومی باقی نمی ماند و وی عمل خود را به عنوان حج تطوع به پایان می رساند (همان)، ولی نظر همه آنها بر جواز و صحت عمل نایبان است.

* دلیل قول اول

دلیل این قول، اطلاق اخبار و روایاتی است که بر جواز تعدد نایب برای منوب^{عنه} واحد دلالت دارند؛ مانند صحیح محمد بن عیسی (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱، باب ۲۴ از ابواب النیابة فی الحج) که در صفحه قبل اشاره شد. این روایت همان گونه که معروف به صحیح است از جهت سند معتبر و قابل اعتماد است و از جهت دلالت، جمله «أَمْرًا أَنْ نَحُجَّ عَنْهُ»، اطلاق دارد و شامل حج واجب و حج مندوب است و دلیلی نیست که امام علیه السلام تنها حج مندوب را اراده کرده باشد. بدین جهت شامل «مانحن فیه» نیز می شود. حکم این مسئله همانند نماز جماعت بر میت واحد است که سبق یکی از نماز گزاران موجب ضرر به وجوب بعدی نخواهد بود. به نظر این دسته از فقها معنا ندارد که در پایان کار نایبان گفته شود عمل یکی از آن دو صحیح و دیگری باطل است. اگر از ابتدا صحیح بوده، باید تا پایان کار هر دو صحیح باشند.

آیت الله سبزواری جواز آن را بدین گونه تعلیل کرده است:

قصد وجوب هر یک از نایبان، راهی است به دستیابی به آن چیزی که در علم الهی است از تفریغ ذمه منوب^{عنه} یا زیادی مراتب قبول و کمال. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷۱)

به این معنا، اگر در علم الله تعالی (یعنی نفس الامر) عمل یکی از نایبان باطل باشد، عمل دیگری موجب تفریغ ذمه منوب^{عنه} می شود و اگر هر دو صحیح باشد، موجب

زیادی مراتب ثواب و کمال عمل منوب^{عنه} می شود. به هر روی دلیلی برای بطلان عمل وجود ندارد.

* نقد قول اول

اول آنکه روایات نیابت نسبت به این مسئله اطلاق ندارند. در صحیح محمدبن عیسی از شواهد و قراین به دست می آید که امام علیه السلام حج واجب خود را انجام داده بود و استیجار وی از چند نفر تنها برای حج مندوب، نه حج واجب بوده است. دوم آنکه از اینکه گفته شده هنگامی که شروع نیابت نایبان شرعاً صحیح باشد، معنا ندارد که در پایان کار یکی صحیح و دیگری باطل باشد و باید تا پایان کار هر دو صحیح باشند. پاسخ، همان گونه که آیت الله حکیم گفته است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۷۵) آن است که در پایان اعمال نایب اول، کشف می گردد که همان اولی مصداق مأمور^{به} بوده و نیابت شخص دیگر، مصداق مأمور^{به} نبوده است. بدین جهت معنا ندارد حج تطوعی برای منوب^{عنه} انجام گیرد؛ زیرا یک حج واجب بر عهده او بود که با انجام آن توسط نایب اول از عهده او ساقط شده است.

۲. قول دوم

اگر نایبان اعمال حج خود را همزمان به پایان رسانند نیابت هر دو صحیح است؛ لیکن اگر در ختم حج، تقدم و تأخری در بین باشد، عمل آن نایبی که عمل خود را زودتر به پایان رساند صحیح است و عمل نایب و یا نایبان بعدی باطل خواهد بود. آیت الله محمد تقی آملی، (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱)، آیت الله سید محمود شاهرودی، (شاهرودی، بی تا، ج ۲، ص ۹۸) آیت الله سید محسن حکیم، (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۷۵) آیت الله سید ابوالقاسم خویی، (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۸۲) آیت الله شیخ جواد تبریزی، (تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵) و آیت الله فاضل لنکرانی، (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۳) از قائلان این گفتارند. امام خمینی علیه السلام نیز با اینکه به صراحت حکم به بطلان نیابت دوم نکرده ولیکن شرطی برای صحت دومی بیان کرده است که در صورت عدم تحقق آن

شرط، بطلان فهمیده می‌شود و آن، این است که همزمان خاتمه یابد. (امام خمینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۳۹)

۱. دلیل قول دوم

دلیل این قول آن است که با پایان عمل نایب اول، واجب انطباق پیدا می‌کند و موردی برای عمل بعدی نمی‌ماند و بدین جهت انطباق با بعدی ممتنع است؛ چون واجب تکرارپذیر نیست.

* نظر مختار

با توجه به اینکه خداوند در اعمال واجب، تنها یک عمل را از ما می‌طلبد و تکرار آن را نمی‌خواهد (مثل هر یک از نمازهای یومیه که تنها یک‌بار باید انجام گیرد و تکرار آن مجاز نیست) بنابراین، قول دوم که معتقد است با انجام عمل واجب منوب‌عنه توسط یک نایب، جایی برای عمل نایب دیگر نمی‌ماند، صحیح است؛ زیرا با پایان یافتن نیابت یکی از نایبان، حج واجب منوب‌عنه به انجام رسیده و انجام حج دیگر برای وی دلیلی ندارد. روایات نیابت، نسبت به عمل واحد منوب‌عنه از سوی چند نایب، اطلاق ندارد و صحیحه محمد بن عیسی نیز چنین اطلاقی ندارد؛ زیرا از شواهد پیدا است که امام رضا علیه السلام حج واجب خود را انجام داده بود و این عمل را جهت استحباب و یا جهت کمک به کسانی که امکان حج ندارند، به آنان واگذار فرمودند و یا می‌خواست با این کار خود تشویق به حج و گرم نگهداشتن این مراسم معنوی نماید. بدین جهت، در چنین مواردی اصل بر عدم جواز است.

۴. نتیجه‌گیری

در بحث تعدد نیابت در حج، باید آن را به دو گونه تعدد «منوب‌عنه» و «نایب» تقسیم کرد.

اگر منوب‌عنه متعدد و نایب واحد باشد - از جهت صحت و بطلان عمل - بین انواع و اقسام حج تفاوت است. به این صورت، در حج مندوب و عمره مفرده به خاطر

دلیل خاص، نیابت از چند منوب^{عنه} جایز است. در حَجَّةِ الاسلام (اعم از عمره و حج) و حج افسادی، نیابت از چند منوب^{عنه} جایز نیست.

در حج نذری، تفصیل است بین آنجایی که چند نفر به طور مستقل نذر کرده باشند، نیابت واحد یک نایب از آنان باطل است و جایی که چند نفر به طور جمعی و مشترک نذر کرده باشند - گرچه فرضش نادر است - ولی انجام آن برای نایب واحد جایز است.

فقها از جهت استحقاق اجرت فرموده‌اند که قرارداد دوم و بالاتر، باطل است و اگر نایب چیزی دریافت کرده باشد، ضامن است.

اما اگر منوب^{عنه} واحد و نایب متعدد باشد، از جهت صحت و بطلان عمل، بین انواع اعمال منوب^{عنه} تفاوت است. به این صورت اگر اعمال منوب^{عنه} مختلف باشد، مثلاً یکی حج و دیگری عمره یا یکی واجب و دیگری مندوب و مانند آن باشد، اطلاعات روایات دلالت بر جواز عمل دارد؛ اما اگر اعمال منوب^{عنه} واحد باشد؛ مثلاً همه بخواهند حج واجب، مندوب، حج نذری و امثال آن انجام دهند، در این صورت انجام حج مندوب به خاطر دلیل خاص، جایز است.

اما اگر بخواهند حج واجب (اعم از حَجَّةِ الاسلام، حج افسادی و حج مندور) را انجام دهند از فقها دو قول صحت عمل بدون شرط و صحت عمل مشروط به آنکه همزمان به پایان رسانند، نقل شده است.

قول پذیرفته، قول دوم است؛ یعنی در صورتی انجام دو نایب یا بیشتر از یک منوب^{عنه} صحیح است، که همه آنان اعمال حج را همزمان به پایان رسانند.

اگر تقدم و تاخیر در بین باشد، عمل نایبی صحیح است که اعمال حج را به طور صحیح زودتر به پایان رسانده باشد؛ زیرا عمل وی با واجب انطباق پیدا کرده و موردی برای اعمال بعدی باقی نمانده است.

از جهت استحقاق اجرت نیز کسی مستحق اجرت است که زودتر اعمال منوب^{عنه} را به پایان رسانده باشد.

۱. آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۱۲ جلد، تهران، انتشارات مؤلف، چاپ اول.
۳. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۳۶۶ش)، تحریر الوسیلة، ۲ جلد، تهران، مکتبه اعتماد الکاظمی، چاپ ششم.
۴. تبریزی، میرزا جواد بن علی (بی تا)، التهذیب فی مناسک العمرة والحج، ۳ جلد.
۵. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶)، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ جلد، قم، مؤسسه دار التفسیر، چاپ اول.
۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۶ق)، معتمد العروة الوثقی، ۲ جلد، قم، منشورات مدرسه دار العلم - لطفی، چاپ دوم.
۷. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق)، الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء، ۵ جلد، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۹. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳)، مهذب الأحكام، ۳۰ جلد، مؤسسه المنیر، قم، دفتر حضرت آیت الله سبزواری، چاپ چهارم.
۱۰. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی (بی تا)، کتاب الحج، ۵ جلد، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ دوم.
۱۱. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحسّی - کلانتر)، ۱۰ جلد، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.

۱۳. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، ۲۹ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، چاپ اول.
۱۴. صاحب جواهر، محمد حسن نجفی (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ۴۳ جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم.
۱۵. حلّی علامہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی تا)، *تذکرۃ الفقہاء (ط - الحدیثہ)*، ۱۴ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، چاپ اول.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (کتاب الحج)*، ۵ جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، دوم.
۱۷. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ۴ جلد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۱۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*، ۱۹ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، چاپ اول.
۱۹. یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی (۱۴۱۲ق)، *العروة الوثقی*، ۲ جلد، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.